

پیش‌خواران

به بهانه انتشار اثر «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، مرد صلح و اصلاح»

منادی حقوق فراموش‌شده مردم بحرین

■ **محمدرضا کائینی**



نام عالم مردمی و روشن بین آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، از آغاز بین روزهای فرآیند بیداری اسلامی در بحرین بر سر زبان‌ها افتاد، روش مؤثر و در عین حال خشونت‌پرهیز وی، نهایتاً حاکمان آن دیار را خلع سلاح و آنان را ناگزیر از تبعید وی ساخت. گرایش جامعه فرهنگی و تاریخی ما به شناخت بیشتر از این شخصیت و آرای وی، موجب پدید آمدن اثری شده که هم‌اکنون در پی معرفی آن هستیم. «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، مرد صلح و اصلاح» عنوان کتابی است که مجموعه خطبه‌های نماز جمعه این روحانی مبارز در مسجد امام صادق(ع) را دربر دارد. در دیپاچه این اثر- که نشر معارف آن را منتشر ساخته- چنین آمده است: «آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، قریب ۵۰ سال است با مواضع ملی محکم، التزام ثابت به صلح و مجهز شدن، اصلاح‌طلبی، ایجاد تغییر با استفاده از سخنان صادقانه و نصیحت هدفمند و فعالیت مستمر در راه ایجاد الفت و سازگاری و قریب، در فضای دینی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بحرین فردی شناخته‌شده است. وفاداری و علاقه مردم به شخص او و طرح‌ها و شفافیت و ایمان کاملی که به دعوت به خیر و مصلحت همگان دارد بیانگر محبوبیت عظیم اوست. آیت‌الله شیخ عیسی قاسم شخصی است که بیشترین اتهام و محافظت را نسبت به خون و اتحاد و ارتباط برقرار کردن گروه‌های بحرین با هم داشته و طی دهه‌ا سال نقشی عظیم در عرصه فعالیت ملی و سیاسی و اتحاد این کشور ایفا نموده است، مردی که آیت‌الله شیخ عیسی قاسم چهره‌ای مردمی است و هر که با نام و فعالیت‌های او آگاه باشد این مطلب را درمی‌یابد. شخصیتی عظیم به اندازه آرمان‌های



وطنی آزاد و ارزشمند و متمدن که بدون هیچ گونه تبعیضی تمام فرزندان خود را در آغوش می‌کشد. ما تلاش می‌کنیم تا با لحاظ اعتبار ملی و جامع و دیدگاه مسالمت‌آمیز آیت‌الله شیخ قاسم به مبارزه، روی سیاسی را پیش روی خواننده گرمای قرار می‌دهیم و می‌گذاریم خودش فتاوت کند».

مقدمه این اثر در ادامه به تشریح مواضع سیاسی شیخ عیسی قاسم پرداخته و در بخشی دیگر می‌نویسد: «آیت‌الله شیخ عیسی احمد قاسم از دیرباز صریحاً اعلام کرده‌بحرین به دموکراسی و اصلاحات سیاسی واقعی نیاز دارد. او به وضوح از نیاز بحرین به آزادی سیاسی بیشتر، یعنی رسیدن به این اصل قانون اساسی (که ملت، منبع قدرت‌هاست) حمایت می‌کند. مطالبات حقوقی او بر اساس شیوه‌ای ثابت انجام می‌شود که تأکید دارد مطالبه در چارچوب‌های مسالمت‌آمیز و متمدن و با استفاده از زبان نصیحت و دعوت به خیر و توافق صورت بگیرد. آیت‌الله شیخ عیسی عضو بحرین تأسیس (سال ۱۹۷۱) و عضو مجلس ملی (سال ۱۹۷۳) بوده است. او در انتخابات سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۰ از مردم خواست در انتخابات مشارکت فعال داشته باشند و خودش هم در انتخابات شرکت کرده و پیوسته به بهبود و اصلاحات دعوت می‌کرد. اوج بیداری اسلامی و انقلاب ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ خواهان تغییر و تحول به سوی دموکراسی واقعی بود. شیخ عیسی قاسم از برجسته‌ترین حامیان این انقلاب به شمار می‌آید که بر روی منبر خود مظلومان را با گفتار نیک و حمایت از مطالبات مردم یاری کرده و پیوسته به توافق و دموکراسی و اصلاح واقعی دعوت کرده است. با این حال تأثیرگذاری باعث شد تا دعوت و تحریک پیوسته‌اش برای ایجاد تغییر به سوی دموکراسی، با همه‌جه شدید رسانه‌ای و امنیتی دستگاه‌های نظام مواجه شود و سرسپردگان آن در تلاش برای ضربه زدن به ملی‌گرایان و تمام ارزش‌ها و آرمان‌ها و وظایف را زیر پا بگذارند و بارها او را تهدید کنند.

آیت‌الله شیخ عیسی با وجود رژیم تروریستی بحرین و درنده‌خوبی آنها در برخورد با خواسته‌های مردم و قتل و جرح و گرسنه نگه داشتن ده‌ها هزار نفر از مردم کشور و هدف گرفتن جان و رزق و دین و آبروی آنان، سخنرانی‌های تحریک و تأکیدکننده بسیاری پیرامون فعالیت مسالمت‌آمیز و خالصانه ایراد کرد.

■ **احمدرضا صدری**

شخصیتی که در مقال پیش رواج آن سخن می‌رود، از نمادهای اتحاد دینی و سیاست می‌رود. دوران معاصر به شمار می‌رود. زنده یاد آیت‌الله العظمی سیدعبدالحسین لاری هم در مقطع انقلاب مشروطیت ایران بود و هم از مبارزات ضداستبدادی و آزادی‌خواهانه ملت ایران جانبداری می‌کرد. خوانش آرا و کارنامه سیاسی آن فقیه بزرگ، شاهدی بر این مدعاست. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

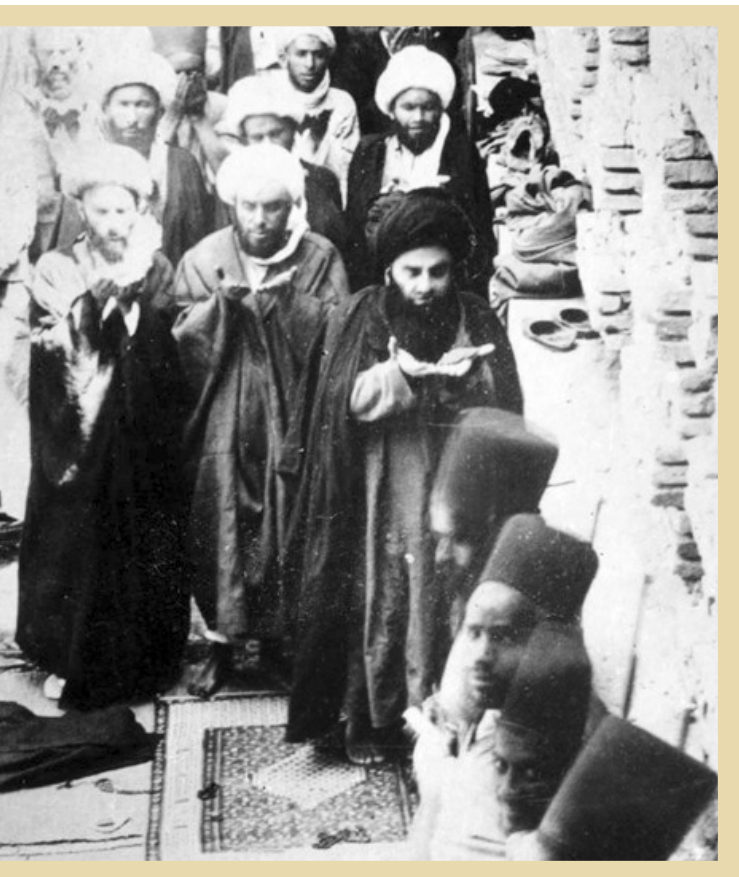
■■■

■ **نشو و نما تا عزمیت به شهر لار**

عالم مجاهد زنده‌یاد آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری از علما و روحانیون دزفولی‌الاصول در سال ۱۲۲۶ه‍.ش، در شهر نجف به دنیا آمد. او بزرگ‌ترین فرزند و دارای شش برادر و خواهر بود. نسب سید لاری به یکی از عرفای نامی دزفول به نام «رکن‌الدین دزفولی» می‌رسید و طلاب بسیاری در جلسه درس پدرش «سیدعبدالله دزفولی» تلمذ می‌کردند. سید در سن ۲۲ سالگی به درجه اجتهاد رسید و از همان جوانی، یکی از مدرسین بزرگ حوزه نجف شد. در میان اساتیدی برجسته او می‌توان به میرزای شیرازی، آخوند همدانی و شیخ مرتضی انصاری اشاره کرد. مرحوم آخوند همدانی شاگردن برجسته زیادی داشت، اما به‌شدت به سید علاقه‌مند بود. سید هم علاوه بر اینکه تحت تأثیر شخصیت معنوی آخوند همدانی بود، علوم عقلی را نیز از ایشان فراگرفت. میرزای شیرازی نیز عنایت خاصی به سید داشت و اجازه اجتهادی نیز برای او صادر کرد. گفته می‌شود مهاجرت سید به ایران هم به توصیه میرزای شیرازی بوده است. سید که در سن ۴۵ سالگی رسید و از اساتید میرز حوزه علمیه نجف اشرف بود، به‌رغم اصرار مردم لار برای رفتن به این دیار، از این امر خودداری کرد تا سرانجام حاج‌علی لاری و هیئت همراه تصمیم گرفتند از طریق میرزای شیرازی، سید را به آمدن به لار ترغیب کنند. میرزای شیرازی با توجه به حساسیت سیاسی استان فارس- که در معرض تجاوزات بیگانگان بود- سید را ترغیب کرد که به دعوت هیئت لاری پاسخ مثبت بدهد و سید- که احترام زیادی برای ایشان قائل بود- سرانجام پذیرفت. وی در حالی این درخواست را قبول کرد که می‌توانست با ماندن در نجف، در عداد علمای بزرگی چون حجاج ملاعلی تهرانی، شیخ محمد یزدی، سید مرتضی کشمیری و... در آید. خود این علما همواره می‌گفتند اگر آقا عبدالحسین از نجف نمی‌رفت، همه علمای نجف تحت‌الشعاع او قرار می‌گرفتند!

■ **جلای وطن سید پس از نهضت پیروزمند تنباکو**

سید اما، اندکی پس از پیروزی مردم ایران در نهضت تنباکو تصمیم گرفت به فارس برگردد و در برابر بیگانگان و مستبدان بایستد. آیت‌الله میرزای شیرازی در هنگام عزیمت سید از عراق گفت: «شما با رفتن به لارستان درواقع نجف را به لارستان می‌برید و گهواره فضیلت و علم را از فرزند خالی می‌کنید!»



آیت‌الله العظمی سیدعبدالحسین لاری

نمادی از پیوند آزادی‌خواهی و دینداری در دوران مشروطیت

میرزای شیرازی به سید لاری: شما نجف را به لارستان می‌برید!

خبر ورود سید لاری به‌زودی در تمام شهرهای استان فارس پیچید و مشتاقان علم برای استفاده از محضر ایشان، به لار آمدند. سید لاری اقدامات و فعالیت‌های بسیار مهمی را در لارستان و استان فارس انجام داد که اهم آنها عبارت‌ند از: تأسیس حوزه علمیه در لارستان در سال ۱۳۱۰ه‍.ق با حمایت مالی تجار و جذب شاگردان از نواحی مختلف جنوب ایران در جهت نشر احکام اسلامی و مبارزه با توطئه‌های فرهنگی، سیاسی استعمار. سید توانست با جذب و پرورش شاگردان کارآمد و وفادار، هسته‌های اولیه تشکیلات مبارزاتی خود را به وجود بیاورد. موضع‌گیری‌های استحکام لاری در برائت از ظلم و مبارزه همه‌جانبه با ستمگران که در قالب درس مطرح می‌شدند، خیلی زود به صورت یک کتاب چاپ شد. انتشار آثار سیاسی سید در مخالفت با پادشاه ایران، در زمره نخستین اقدامات وی در بدو ورود به ایران بود. اولین رساله سید لاری در سال ۱۳۱۴ه‍.ق با عنوان «آیات‌الظالمین» منتشر شد. در این کتاب سید لاری بر این موضوع تأکید داشت که «میرزای شیرازی، آخوند همدانی و شیخ مرتضی انصاری اشاره کرد. مرحوم آخوند همدانی شاگردن برجسته زیادی داشت، اما به‌شدت به سید علاقه‌مند بود. سید هم علاوه بر اینکه تحت تأثیر شخصیت معنوی آخوند همدانی بود، علوم عقلی را نیز از ایشان فراگرفت. میرزای شیرازی نیز عنایت خاصی به سید داشت و اجازه اجتهادی نیز برای او صادر کرد. گفته می‌شود مهاجرت سید به ایران هم به توصیه میرزای شیرازی بوده است. سید که در سن ۴۵ سالگی رسید و از اساتید میرز حوزه علمیه نجف اشرف بود، به‌رغم اصرار مردم لار برای رفتن به این دیار، از این امر خودداری کرد تا سرانجام حاج‌علی لاری و هیئت همراه تصمیم گرفتند از طریق میرزای شیرازی، سید را به آمدن به لار ترغیب کنند. میرزای شیرازی با توجه به حساسیت سیاسی استان فارس- که در معرض تجاوزات بیگانگان بود- سید را ترغیب کرد که به دعوت هیئت لاری پاسخ مثبت بدهد و سید- که احترام زیادی برای ایشان قائل بود- سرانجام پذیرفت. وی در حالی این درخواست را قبول کرد که می‌توانست با ماندن در نجف، در عداد علمای بزرگی چون حجاج ملاعلی تهرانی، شیخ محمد یزدی، سید مرتضی کشمیری و... در آید. خود این علما همواره می‌گفتند اگر آقا عبدالحسین از نجف نمی‌رفت، همه علمای نجف تحت‌الشعاع او قرار می‌گرفتند!



عبادالدوله قشقایی که از هم‌پیمانان سیدعبدالحسین لاری به‌شمار می‌رفت

■ **قشون قوام‌الملک توانستند مسجدی را که سید در آن مشغول اقامه نماز جماعت بود محاصره کنند اما یکی از مردیان شجاع سید به نام علی‌مراد توانست وارد مسجد شود و سید را ترک اسب خود سوار کند و از حلقه محاصره انگلیسی‌ها بیرون ببرد. انگلیسی‌ها هر دو را مورد هدف قرار دادند و گلوله‌باران کردند اما هیچ‌یک از گلوله‌ها به آنها نخورد! سید لاری به فیروز آباد رفت و نزد صولت‌الدوله قشقایی پناه گرفت**



آیت‌الله العظمی سیدعبدالحسین لاری در حال اقامه جماعت در جمع برخی اهل‌لیان بحرین

■ **آیت‌الله سید عبدالحسین لاری پیروان خود را به گذراندن آموزش‌های نظامی تشویق می‌کرد. عده زیادی حتی دوره‌های کارآموزی نظامی را هم می‌دیدند و بعدها به «چریک‌های سید لاری» یا «تفنگچیان سید لاری» مشهور شدند و نقش بسیار مهمی را در مبارزه با مستبدان و استعمارگران و دفاع از حقوق محرومان در برابر فتوادل‌ها و خوانین ایفا کردند**

از اسلحه به آزار مسلمانان می‌پرداختند. آنان علیه سید نامه‌های شکایت امیز زیادی برای مظفرالدین شاه قاجار فرستادند تا مانع از بازگشت سید از سفر حج به لارستان شوند. هر چند حاکم وقت لار علیرضاخان مانع از ورود سید به منطقه شد و ایشان را به بندرعباس و سپس بندر لنگر فرستاد، اما در اثر شکایت مردم منطقه و روحانیون به حکومت مرکزی، سید به‌رغم میل باطنی یهودیان و دیگر مخالفان خود، با نهایت احترام به لار بازگشت و فعالیت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و عبادی خود را از سر گرفت. یهودیان با حمایت خوانین و عمال استبداد در منطقه، علیه سید و یاران او به توطئه پرداختند. ابتدا سید سعی کرد با نصیحت و ارشاد آنان از ازار اعمال تحریک‌آمیزشان بر حذر دارد ولی چون این شیوه‌ها مؤثر واقع نشدند، دستور تبعید و نفی بلد آنها را داد. او به یهودیان فرصت داد تا اموال و خانه‌های خود را به مسلمانان بفروشند و سپس منطقه را ترک کنند. پس از خروج آنها کنیسه‌شان به مسجد تبدیل شد.

■ **مواجهه سید با فرقه استعماری بهائیت** آیت‌الله لاری در اقدامی دیگر با میسیونرهای مسیحی که به دستور انگلیسی‌ها برای تخریب مبانی اعتقادی مردم و ترویج فرهنگ غربی و گسترش سلطه خود در ایران و تاراج منابع اقتصادی کشور به لارستان و فارس آمده بودند، به مبارزه پرداخت. او میسیونرهای مذهبی را از منطقه اخراج و کتاب‌های آنها را توقیف کرد!این اقدام خشم دولت‌انگلیس را برانگیخت و به دولت مرکزی فشار آورد تا اقدامات سید به‌جلوگیری و او را مجازات کند که البته عین‌الملک نماینده سید در نجف، با مشاهده قدرت و نیروهای زیاد سید علیه فرقه بهائیت هم اقدامات مؤثری را انجام داد. از جمله در سال ۱۳۱۸ه‍.ق که همراه با عده‌ای از پیروانش به زیارت حرم مطهر امام رضا(ع) می‌رفت، در مسیر بهائیان کرمان را به مناظره دعوت کرد و در برابر جمعیتی زیادی حقانیت اسلام و بطلان بهائیت را ثابت نمود.

■ **سید، رهبر انقلاب مشروطیت در خطه فارس**

به نظر آیت‌الله لاری یکی از عوامل فقر و بیچارگی مردم، وجود نظام فتودالیسم مورد حمایت دربار بود. فتودال‌ها خود را مالک مال، جان و ناموس رعیت می‌انگشتند و از هیچ زائلی ابا نداشتند!سید به حضرت ورود به لارستان، مردم را به مقابله و مقاومت با این عوامل تشویق کرد و از آنان خواست از پرداخت مالیات به نماینده دولت و خان‌ها خودداری کنند. در نهضت مشروطه تمام تلاش مقامات حکومت مرکزی- که از جنبش مردم تهران در هراسان بودند- این بود که مبدا اهالی فارس که مبارزات خود را علیه استبداد و تعدیات شعاع‌السلطنه از مدت‌ها پیش آغاز کرده بودند، از وقایع تهران باخبر شوند و دامنه شورش به سایر شهرها هم کشیده شود، اما هنوز یکی دو ماه از جنبش مردم تهران نگذشته بود که فارس نیز به صف مبارزه پیوست و مسوع اعتراضات مردمی سراسر آن را در بر گرفت. سرانجام در رمضان سال ۱۲۳۲ه‍.ق، شعاع‌السلطنه از حکومت فارس عزل شد و عبدالحسین‌خان وزیر مخصوص صاحب اختیار جای او را گرفت. همچنان که نهضت آزادی‌خواهی عصر مشروطه در آذربایجان با نام‌های سستارخان و باقرخان پیوند خورده، بی‌تردید در فارس و بلکه در تمام مناطق جنوبی ایران، نام سیدعبدالحسین لاری با نهضت مشروطه ملازم است. البته قیام سید لاری با قیام سستارخان و باقرخان تفاوت‌هایی داشت. قیام آنها نه تنها جنبه ملی داشت و هدفش بر داشتن حکومت مطلقه استبدادی و استقرار حکومت دموکراسی مبتنی بر آزادی و مساوات بود، در حالی که سید در راستای ایجاد حکومت ملی بر پایه شرع و اجرای دقیق احکام الهی مبارزه می‌کرد. سید از طرفداران اصلی انقلاب مشروطه بود و از ابتدای ظهور مبارزات مردمی نهضت مشروطه نقش بسیار مهمی را ایفا کرد. سید در مردم نفوذ کلام بسیار داشت

و برای پیشبرد انقلاب مشروطه با علما، مراجع و مجاهدان از جمله آخوند خراسانی مکاتبات و مراسلات زیادی داشت. ■ **سید پس از عزل محمدعلی شاه قاجار** با فرار محمدعلی شاه قاجار و روی کار آمدن احمد شاه، تصور این بود که سید نسبت به گذشته قدرتمندتر شده است، اما اختلاف

سردار اسعد بختیاری و صولت‌الدوله - که با سید ارتباط خوبی داشت- باعث شد فاتحان تهران دیگر از سید و صولت‌الدوله قشقایی حمایت نکنند و به‌جای آن به حمایت از قوام‌الملک بپردازند! این موضوع نیروهای مشروطه‌خواه فارس را دلسرد و زمینه تضعیف سید لاری را فراهم کرد.

بی‌مهری‌های متعدد فاتحان تهران نسبت به آیت‌الله لاری، در حالی صورت گرفت که ایشان حمایت‌های زیادی را از آنان انجام داده بود و مبارزات پیگیر و مستمر او در احیای مشروطه و مقابله بااستبداد صغیر در فارس و مناطق جنوب ایران، یکی از کانون‌های اصلی مبارزه علیه استبداد و حمایت از مشروطه را فراهم آورده بود. نیروهای انقلابی فاتح تهران به‌جای همکاری با سید لاری و نیروهای تحت امر او، برای از صحنه بیرون راندن تنمه مستبدان از صحنه با بخشی از مستبدان متحد علیه سید و یارانش وارد عمل شدند! سردار اسعد بختیاری یک ماه پس از فتح تهران، طی حکمی به دریابگی حکمران بنادر، دستور حمله به لار و قلع و قمع سید را صادر کرد! کشف نفت در خوزستان انگلیسی‌ها را به بختیاری‌ها نزدیک و از قشقایی‌ها دور کرد و سید و صولت‌الدوله قشقایی، به ناگزیر در کنار هم مبارزه‌ای جدید و نابرابر را علیه کانون‌های اصلی قدرت در ایران آغاز کردند.

■ **سید در برابر موج قدرتمند ترور شخصیت!**

موج تبلیغات منفی حکومت فارس علیه سید، موجب شد علمای نجف هم خواهان ایجاد آرامش و عدم تحرک سیاسی سید شوند. مقامات انگلیسی حمله به بستک و تصرف آنجا را به سید لاری نسبت دادند و خواهان تقابل با او شدند! سید تلاش کرد با ارسال نامه‌هایی از خود دفاع کند و تا حدودی هم موفق شد، اما سرانجام فشار جناح‌های گوناگون موجب شد سید با دعوت انجنم ایالتی، لار را به قصد شیراز ترک کند تا در آنجا در جلسه مشترکی با نصرالدوله قوام اختلافت را حل کنند.

در پی فراری دادن حاکم معزول و زندانی لار علیقلی‌خان توسط قوام‌الملک، علمای نجف در پاسخ به هشدارهای سید لار در مورد آزادی علیقلی‌خان و وقایع سوء آن با مجلس مکاتباتی را آغاز کردند و ضمن اشاره به مجاهدت‌های سید لاری در خطه فارس برای تحقق مشروطه از مجلس خواستند دست ظالمان را از سر آن خطه کوتاه و خسارت‌های وارده به مردم را جبران کنند. اهالی لارستان هم شکایت‌های مختلفی را برای مجلس و وزارت داخله فرستادند و به آزادی علیقلی‌خان اعتراض کردند، اما وزیر داخله وقت سردار اسعد بختیاری پاسخ داد: علمای شیراز حکم بی‌گناهی علیقلی‌خان را داده‌اند!سید لاری که از اقداماتش برای احاده اموال غارت شده مردم لار نتیجه‌ای نگرفت، به ناچار دستور حمله به بندرعباس و ضربه زدن به منافع انگلیس را صادر کرد. همچنین سید هزار نفر نیرو را به فرماندهی سیدحاجی بابا بیرمی و غلامحسین وراوی به بندرلنگه اعزام کرد. این نیروها توانستند نیروهای انگلیسی را آنجا عقب برانند.

■ **سید و رویداد جنگ جهانی اول** در آستانه جنگ جهانی اول مخالفان سید لاری تلاش کردند بین یاران نزدیک او تفرقه ایجاد کنند و یک ماه بعد در درگیری ناخواسته‌ای راه به سوی خود جلب کردند. تندروی‌های برخی نیروهای سید در مأموریت‌های گوناگون هم مزید بر علت شد و عده‌ای از یاران نزدیک او که دلسرد گرد! از جمله حسین حاجی‌آبادی - که در حمله به مستبدان در بندرعباس و بندرلنگه رشادت‌های زیادی از خود نشان داده بود- در اثر همین تندروی‌ها مورد بی‌مهری سید قرار گرفت و یک ماه بعد در درگیری ناخواسته‌ای کشته شد!سید در فاصله زمانی کوتاهی چهار نفر از سران نظامی برجسته و قدرتمند خود را از دست داد و قدرت نیروهای نظامی او در آستانه تسلل ۱۳۳۲ه‍.ق، به حداقل رسید و نیروهای حکومتی را به تهاجمی همه‌جانبه علیه سید تحریک کرد.

در سال ۱۳۳۲ه‍.ق، انگلیسی‌ها با همکاری دولت، قوام‌السلطنه و حبیب‌الله قوام‌الملک با هدف تصرف لار و قلع و قمع سید، نیروی عظیمی را به آنجا روانه کردند. این در شرایطی بود که سید بخش بزرگی از نیروهای نظامی و سیاسی خود را از دست داده بود. قشون قوام‌الملک توانستند مسجدی را که سید در آن مشغول اقامه نماز جماعت بود محاصره کنند، اما یکی از مردیان شجاع سید به نام علی‌مراد توانست وارد مسجد شود و سید را ترک اسب خود سوار کند و از حلقه محاصره انگلیسی‌ها بیرون ببرد. انگلیسی‌ها هر دو را مورد هدف قرار دادند و گلوله‌باران کردند، اما هیچ‌یک از گلوله‌ها به آنها نخورد!سید لاری به فیروزآباد رفت و نزد صولت‌الدوله قشقایی پناه گرفت و مدتی بعد خانواده او هم مخفیانه از شیراز به فیروزآباد رفتند و به او ملحق شدند.

■ **سوزناک خاموشی در یا...**

سرانجام آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری در حالی که جز ۱۰۰ تومان و یک خانه مخروبه ارثی به‌جا نگذاشته بود، در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۳ه‍.ش پس از عمری مبارزه علیه استبداد و استعمار، چشم از دنیا فروبست. آرامگاه ایشان در نزدیکی خانه‌اش در چهارم به نام «مقبره آقا» زیر تگاه اهالی چهارم است. یادش گرمای باد.